

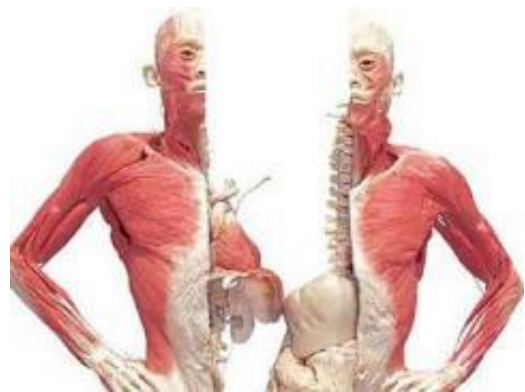


اقتباس از کتاب «مرگ رنگ» اثر الهام یکتا .

حافظه‌ی ناخودآگاه نویسنده با حافظه‌ی ناخودآگاه مخاطب، همگونی پیدا کند.

نویسنده‌ای که از اساطیر یاری می‌جوید، درصد گزارش مو بموی رخداد‌های اسطوره‌ای نیست و قصد تحلیل و پردازش آنها ندارد، اساطیر برای او وسیله شناخت است، آنها وسیله مهمی. مانند راهنمای بزرگ از علائم که به اشکال گوناگون درست شده و هدف آن بیدار کردن خاطرات و کشف و شهودی ژرف است، تا انسان را به سوی معرفت و آگاهی رهنمون کند.

بستر اساطیری «سمفونی مردگان»



این گونه است که «اورهان» قابیل می‌شود و

«آیدین» هابیل. زن دغدغه اصلی اورهان می‌شود.

در باره «سمفونی مردگان» نوشته عباس

معروفی، مقوله برادرکشی برجسته‌ترین تم داستان است، چنانکه خود نویسنده نیز صریحاً این امر را یادآور شده است:

«من هابیل و قابیل دورانم را

روایت کرده ام.»

مقوله برادرکشی یا فرزندکشی در ادبیات اساطیری و دینی و نیز در تاریخ سیاسی ما موضوع تازه‌ای نیست. هابیل و قابیل و مرگ سهراب در روایات اساطیری و سنت فرزندکشی و برادرکشی در تاریخ سیاسی - پیش از اسلام و پس از آن - به خوبی گویای این امر است. ضمن این که این روایت بطور مشخص در «قرآن - و تورات» آمده است.

آدم برای هابیل همسری برمی‌گزیند، اما قابیل حکم را نمی‌پذیرد. پس تصمیم می‌گیرند هر کدام قربانی به درگاه خداوند نثار کنند. هابیل اقدام به نثار هدیه‌ای می‌کند - محصول زمینش - که گرچه برای

اگر فلاسفه اساطیر را برای شناخت عقاید و نظام‌های فکری جوامع پیشین تجزیه و تحلیل کردند، یا پژوهشگران و مورخان، با جستجوی اساطیر در پی تحلیل و خاستگاه تاریخی آن برآمدند، که به شناخت بهتر تمدن‌ها و جوامع و آداب و رسوم آنها برسند، روانشناسان نخستین بار اساطیر را در پرتو رویا تفسیر کرده و مدعی شدند اساطیر، همان نقش رویا در زندگی فرد را ایفا کرده و تجلی خواست‌های ناخودآگاه اوست. موضوعی که بعدها دستمایه آثار بسیاری از نویسندگان قرار گرفت و از سوی منتقدان به نظریه «کهن‌نمونه» شناخته شد.

این نظریه بر این باور است که در پس ذهن خودآگاه هر انسان، بخشی دیگری به نام ناخودآگاه قومی وجود دارد. این ناخودآگاه به نویسنده اجازه می‌دهد از تصاویر بدوی و آغازین بهره‌برداری نماید، تا بتواند تخیل خواننده را فعال نماید و از این راه



کند، هیچ دل نگران نیست و واکنشی نشان نمی‌دهد. زمانی که اتاقش را گرفتند و ناچار شد به زیرزمین خانه قناعت کند؛ بارها به برادر می‌گوید به خاطر مال و منال نباید برادری را زیر بگذارند.

نویسنده برای تاکید بیشتر به این موضوع تمهیدات دیگری نیز بکار می‌برد، چه آنجا که مردم به اورهان لقب «برادرکش» می‌دهند و یا کلاغ هایی که بالای خانه او نظاره‌گر اعمالش هستند.

دستان «اورهان» نیز از کودکی همواره مشت کرده بوده است و پدر چنین تفسیر می‌کرد که او مال جمع‌کن می‌شود و زندگی‌اش را توی مشتش می‌گیرد.

اما از آنجا که قرار نیست ادبیات روایت کننده صرف اساطیر باشد، در فاصله‌ای که اورهان از حجره به شورابی می‌رود، دیگر نه در فکر کشتن برادر که حتا بخاطر دل بی‌صاحب مانده‌اش، برادر را می‌جوید.

زمستان ۱۳۸۳ - آلمان

او ارزشمند است، اما می‌داند برای بدست آوردن گم‌شده‌ای قربانی می‌دهد که ارزش آن بسی بیشتر است و یافتنش آرزوی آرمانی اوست. در حالی که قابیل با بخل و حُبّ مال، پیشکشی نه چندان ارزشمند می‌آورد که موجب سرزنش خداوند قرار می‌گیرد. قابیل که حاضر نیست شکست را بپذیرد، قصد کشتن برادر می‌کند. و این گونه است که «اورهان» قابیل می‌شود و «آیدین» هابیل. زن دغدغه اصلی اورهان می‌شود، تا آنجا که بر سر قبر پدر زار می‌زند:

«چرا زنها نگاهم نمی‌کنند، چرا
 اخمشان را برای من می‌آورند؟
 چرا قشنگترین دختر دنیا شیدای
 برادرم شده؟»

سمفونی مردگان... ص ۲۸

باز می‌خوانیم:

«من وقتی به آن چشم‌های
 ملتمس طلایی نگاه می‌کردم،
 می‌مردم. من شب‌ها خواب
 نداشتم، توی دلم می‌گفتم: به خدا
 قسم نابودت می‌کنم، برادر.»

سمفونی مردگان... ص ...

در روایت هابیل و قابیل می‌خوانیم که هابیل در پاسخ برادر چنین می‌گوید:

«اگرتو به کشتن من دست
 برآوری، من هرگز به کشتن تو
 دست برنیاورم که من از خدای
 جهانیان می‌ترسم.»

در «سمفونی مردگان» نیز «آیدین» هابیل‌وار رفتار می‌کند و از این که داشته‌هایش را - چیزهایی که به حق یا ناحق به او رسیده است - برادر تصاحب